پس از استخدام در اداره موسیقی، نیما با چند نویسنده مطرح مجله ای را آغاز میکند. میگویند نیما برای اولین بار به کاری می پردازد که با روحیه اش سازگار است. مقاله "ارزش احساست در زندگی هنرپیشه گان" که بعد ها به صورت کتاب در می آید را در یک بازه زمانی 11 ماهه در شماره هایی از این مجله چاپ میکند. انتشار این مقاله، دفاع نامستقیم نیما ازشعر های خود و تمهید زمینه مناسب برای انتشار شعرهای آینده است. 15 شعر و از جمله شعر "ققنوس" در شماره هایی از این مجله چاپ می شود. با وجود اینکه اعتراض از طرف سنت گرایان کم نیست، همکاران نیما از وی حمایت می کنند. نیما در این دوره زمانی علاوه بر شعرهای نو، در دیوانش چندین غزل و شعر سنتی نیز می سراید. به نظر می رسد نیما پس از هر سنت ستیزی و ابداع چشمگیر، عقب نشینی در سنت را مصلحت وقت میداند. این عقب نشینی ها به نیما اجازه میدهند هم نفسی تازه کند، و هم ادعای مخالفان را انکار کند. مجله موسیقی نقش مهمی در انتشار شعرهای نیما و شناساندن آن ها داشته که پس از اشغال ایران در شهریور 1320، انتشار مجله متوقف میشه. نیما در حالت تعلیق قرار دارد. در این دوران تعلیق از شهر و شهرنشینی زده می شود و دوره شاعری خود را طی می کند. درسال 1328و 1329 که انتشار مجله ادامه پیدا میکند، نیما نیز دوباره در وزارت فرهنگ مشغول به کار می شود.

با وجود اوضاع سیاسی آشفته ایران در این سال ها، نیما به هیچکدام از این احزاب سیاسی دل نمی سپرد. بسته شدن مجله موسیقی در این زمان، ارتباط او با مخاطبانی که در طول مدت انتشار مجله به دست آورده بود را به حداقل می رساند. این قطع ارتباط باعث می شود برای رفع این مشکل، به روزنامه رهبر و مجله مردم برای روشنفکران روی بیاورد. این ها از نشریه های حزب توده بودند که احسان طبری و جلال آل احمد گرداننده آن ها بودند.

شعر "ناقوس" در سال 1323، تصویری نه چندان مبهم از اوضاع سیاسی و روحی نیما در آن سال ها را نشان می دهد.